

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

وقتی مصیبت، سوژه ی طنز می شود! نوشتاری از ایرن واعظ زاده

اسماعیل حسام مقدم، 18th, Saturday, November 2017

وقتی مصیبت، سوژه ی طنز می شود!

ایرن واعظ زاده

چند روزی است از حادثه ی دلخراش کرمانشاه گذشته؛ اخبار از آخرین وضعیت مناطق زلزله زده و تعداد مجروحین و جان باختگان این مصیبت بزرگ خبر می دهد.... می دانم عمق فاجعه و شمار زنده به گورشدگان هم وطنم بسیار بیشتر از آن چیزی است که بر لب ها جاری می شود. با دلی گرفته روی از صفحه تلویزیون بر می گیرم و تلگرام را چک می کنم. در بین پیام های ارسالی تصاویری به ظاهر طنزآلود و خنده آور را نظاره کرده که در پشت پرده شان کوهی از مفاهیم دردناک نهفته است. دوستی که آن ها را برایم فرستاده، انسانی تحصیل کرده و با شعور اما ناآگاه به بار منفی و پیامدهای ناگوار این گونه پیام ها است.

” این عکس ها ارتباط مستقیم و دقیقی به این جریان ندارد.... به نظرم خنده دار آمد که فرستادم و اصلا نمی خواستم مسخره کنم.... حتی قصد داشتم برای اهدا خون هم بروم.... باور کن اینقدر غصه دارم که با یک عکس خنده ام می گیرد.... گاهی آن قدر غصه ی آدم زیاد است که با دیدن این ها یادش می رود.... بخدا از بس شادی نداریم و همیشه تو غصه بودیم.... خدا ما را ببخشد“ ...

جملات فوق، پاسخ های بی کم و کاست دوست من در اعتراضم به تصاویر ارسالی اش است. این قبیل بیانیات و واکنش ها و همچنین نوع و محتوای این دست از پیام ها، هم از سوی سازندگان اصلی و هم ارسال کنندگان آن، در بردارنده ی دو نکته ی اساسی است که ضرورت بررسی و پرداختن به آن ها آشکارا احساس می گردد.

جهالت و پندار عبت خودآگاهی

ما مردمان متمدن و اصیل ایران زمین... آن قدر که زمان پرارزش خود را صرف چوک سازی و به سخره گفتن اقوام مختلف، زنان، فجایع و مصیبت ها و ... می کنیم، حاضر به اختصاص حتی یک چهارم همین زمان برای مطالعه ی مطالبی درباره ی تاثیر روانی و پیامدهای مخرب همین چوک های به اصطلاح بامزه نیستیم؛ و همین ناآگاهی و جهل از تحقیر خود و دیگری است که سبب شکل گیری باورهای مرکزی و الگوهای رفتاری غلط ما و متعاقبا نسل های بعد می گردد.

خنده بر هر درد بی درمان دواست!

توسل به عبارت ” خنده بر هر درد بی درمان دواست“ !! را شاید بتوان قوی ترین استدلال بی تفاوتی و ولنگاری اجتماعی پخش کنندگان این چوک ها، دانست.

این افراد تکیه بر طنز و گزافه گویی های هجو آمیز را راهی برای گریز از مصائب و مشکلات پیش آمده پنداشته و به گمان خود از این طریق می توان اندوه درونی و پایین بودن سرانه ی شادی در کشور را جبران کرد!!

طنز ابزاری برای اعتراض

زیستن در جامعه ای که نظام حکم رانی آن همواره با چالش ها و فقدان های بی شماری مواجه بوده و مجال چندانی برای بیان انتقادات از برخی رویه های پیش گرفته شده در مدیریت و سیاست گذاری هایش نیز وجود

ندارد، طنز به مثابه اهرمی اجتماعی و انتقادی برای اظهار سخنانی است که قدرت جاری شدن در کلام را ندارند؛ در واقع طنز تنها ابزار و سلاح در دسترس جهت اعتراض و مقابله با نارضایتی ها می شود.

تقلا برای ابراز وجود

از دیدگاه علم جامعه شناسی و روان شناسی، افرادی که در طول زندگی شان از نظر منزلت اجتماعی و مزایای فردی، چه در دنیای واقعی و چه در فضای مجازی، در مضیقه و به نوعی گرفتار خلاء هایی بوده و به طور کلی، افرادی سرخورده و منفعل که اجتماع آنان را سرکوب نموده، برای پر کردن این شکاف عمیق روحی، از هر راهی برای تصرف فضای خارج از کنترل گفتمان های رسمی بهره جسته و خواهان ستاندن سهم شان از روابط اجتماعی موجود در جامعه، در هر موقعیت و به هر نحوی می باشند. برای شان هم تفاوتی ندارد فحاشی زیر پست های افراد مشهور یا شوخی و بذله گویی با یک فاجعه؛ هر کدام می تواند فرصتی برای ابراز وجود باشد.....

از دیگر دلایل شاخص بروز این ناهنجاری های اخلاقی می توان به برخی آسیب های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، آموزش های غلط، تخلیه ی روانی، فقدان اعتماد به نفس و ... اشاره کرد. این نکته که زبان طنز و اعتراض از طریق آن، سابقه ای بسیار طولانی در ادبیات و فرهنگ ایران دارد بر هیچ کس پوشیده نیست اما شوربختانه هم اکنون این نوع شیوه ی بیان که هدفش جز بهبود و تغییر در شرایط نامساعد نبود، جایش را به سوژه قرار دادن فجایای اجتماعی و حوادث طبیعی داده است که همچون زهری بر زخم مصیبت دیدگان پاشیده می شود. وای بر ما که لذت گرایی را در تمسخر به اشک و آه آن دیگری هم وطن نظاره می نگریم.....

This entry was posted on Saturday, November 18th, 2017 at 1:45 pm and is filed under [گزارش و گفت و گو](#)

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.